

تبیین مفهوم منظر آیینی و بررسی جلوه های تبلور آن*

مهندس ریحانه خرم رویی**، دکتر امین ماهان***، دکتر احمد علی فرزین***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

چکیده

منظر پدیده‌ای عینی-ذهنی است که در پی فهم انسان از محیط شکل گرفته و در بستر تاریخ و زمان اشکال مختلف به خود می‌گیرد. در این میان گاه منظر با مفاهیم هویت بخشی همچون فرهنگ و آیین عجین شده و جلوه‌های عینی و ذهنی ویژه‌ای را با توجه به موقعیت‌های مکانی خاص، به وجود آورده است. از این رو این مقاله سعی دارد تا با واکاوی مفاهیم منظر و آیین و بازشناسی مفهوم منظر آیینی، جلوه‌های ظهور آن در ایران را شناسایی نماید. روش تحقیق این مقاله، از نوع کیفی است و ترکیبی از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و استنادی به کار برده شده است. بر این اساس با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع معتبر نوشتاری، طیف گسترده‌ای از منابع مرتبط با منظر و آیین مطالعه گردید و با بررسی تطبیقی، به شیوه استنباطی و استنتاجی به تحلیل مصادیق ارائه‌شده از منظر آیینی و وجوه آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی

منظر، منظر فرهنگی، منظر آیینی، طبیعت، عینیت، ذهنیت

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم مهندس ریحانه خرم رویی به راهنمایی دکتر احمد علی فرزین و مشاوره دکتر محسن کافی تحت عنوان طراحی منظر حوزه نفوذ امامزاده محسن شهر همدان در تابستان سال ۱۳۹۶ در دانشکده هنر و معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران ارائه شده است. **دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: r.khoramrouei@alumni.ut.ac.ir

*** استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران.

Email: Mahan_landscape@yahoo.com

Email: aafarzin@ut.ac.ir

**** دانشیار گروه معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

مقدمه

انسان در گذشته به واسطه ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با شبکه پیچیده طبیعت، نیازهای خود را از طریق محیط پیرامونش برآورده می‌کرد و از این رو طبیعت را امری مقدس می‌شمرد و مورد تکریم و احترام قرار می‌داد. دستاورد این نیازمندی و ارتباط با طبیعت طی گذشت زمان برای انسان مفهومی را ایجاد کرد که شاید بتوان با عنوان منظر فرهنگی از آن نام برد. مفهومی که مرکب از «منظر» که محصول تعامل انسان و محیط است و «فرهنگ» که عنوان عامل هویت بخش تمدن‌ها و حاصل حضور تکرارپذیر انسان‌ها در محیط در طول زمان است. از این رو می‌توان گفت منظر فرهنگی یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های منظرین است که در دل خود حضور انسان و ارتباط با طبیعت در گذر زمان را جای داده است و مفاهیمی از جمله مناظر آیینی، مناظر باستانی و بسیاری دیگر را در برمی‌گیرد. لذا منظر فرهنگی نگاهی به تاریخ سرزمین‌های باستانی، مجتمع‌های زیستی و مظاهر آیینی و مذهبی تمدن‌ها دارد و در جستجوی ذهنیت‌ها و عینیت‌های حاصل از فرهنگ در منظر است.

در این بین به نظر می‌رسد مناظر آیینی با توجه به پیوند قلبی مردم با معانی و مفاهیم موجود در آن، ارتباطی قوی با جوامع بشری به وجود آورده است و در دل و جان مردم مناطق مختلف دنیا رسوخ کرده است. گاه در کالبد و ساختاری ویژه، عینیت یافته است و گاه در ذهنیت مردمان آن سرزمین به حیات خود ادامه داده است. ادیان باستانی و بسیاری از آداب و رسوم جاری در تمدن‌ها در دل طبیعت شکل گرفته‌اند و طبیعت را امری مقدس قلمداد کرده‌اند و برای آن نمادپردازی‌ها نموده‌اند. مردم با آنها زندگی کرده‌اند و خاطره‌ها ساخته‌اند؛ بنابراین شناخت مفهوم منظر آیینی و به تبع آن بازشناسی جلوه‌های منظرین آن، می‌تواند به تقویت پیوند منظرین میان انسان، منظر و آیین کمک نماید لذا هدف این پژوهش بررسی مفاهیم منظر آیینی و نحوه تبلور آن در زندگی جاری مردم و آداب و رسوم موجود در فرهنگ‌ها است. از این رو چیهستی منظر آیینی و مفاهیم آن مورد سؤال و بررسی قرار می‌گیرد و به جستجوی نقش آن در ساختارهای ذهنی و عینی یک جامعه و نحوه تبلور آن در باورهای مردم و زندگی روزمره آنها می‌پردازد.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله، از نوع کیفی است و ترکیبی از روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و استنادی بکار برده شده است. بر این اساس با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع معتبر نوشتاری، طیف گسترده‌ای از منابع مرتبط با منظر و آیین مطالعه گردید و با بررسی تطبیقی، به شیوه استنباطی و استنتاجی به تحلیل مصادیق

ارائه شده از منظر آیینی و وجوه آن پرداخته شده است.

پهارچوب نظری پژوهش

منظر^۱

رابطه انسان و منظر رابطه‌ای پیچیده و غیرقابل تفکیک است و منظر به مثابه یک کل قلمداد می‌شود. بدین معنا که منظر هم‌زمان هم دارای کالبد است و هم دارای معناست. هم‌زمان هم عینیت دارد و هم ذهنیت و این دو غیرقابل تفکیک از هم می‌باشند و به عبارتی منظر پدیده‌ای است عینی-ذهنی. پدیده‌ای وابسته به ذهن انسان به عنوان مفسر و کالبد به عنوان مرکز تفسیر. بنابراین منظر در تعاریف همواره وابسته به دو عنصر اصلی بوده است که با حذف هر یک از تعریف، فهم منظر دچار مشکل می‌شود؛ اول محیطی است که به عنوان کالبد عینی، انسان را در برمی‌گیرد و دوم انسانی است که در صدد درک و فهم محیط بدان ورود می‌کند و در طول زمان در ذهن خود از آن تصویرسازی می‌نماید و ذهنیت خود از آن کالبد را شکل می‌دهد. از این رو است که می‌توان گفت منظر پدیده‌ای است زنده و پویا که از یک سو متأثر از انسان و ارتباط او با محیط است و از سوی دیگر تداعی کننده ذهنیاتی است که بر رابطه انسان با محیط پیرامون خود تأثیر گذاشته است. منظر را از یک سو نمی‌توان تنها در کالبد محیط و ساختار عینی آن خلاصه کرد، چون منظر کیفیت و معنا را هم در بردارد و از سوی دیگر نمی‌توان آن را صرفاً مفهومی تجریدی و انتزاعی دانست، زیرا که از طریق کالبد و حواس قابل فهم است. لذا در برداشتی متعالی منظر پدیده‌ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود (ماهان و منصور، ۱۳۹۶، ۳۴).

همان‌طور که در شکل ۱ قابل مشاهده است، ارتباط سه عنصر کالبد، عملکرد و معنا و تعامل سه گانه آنها منجر به ایجاد واقعیتی به نام منظر می‌شود. کالبد را می‌توان زبان فضا دانست؛ چراکه آنچه را که معماران و معماران منظر در فضا می‌خواهند بیان کنند را با توجه به کالبد بیان می‌کنند و به همین دلیل کالبد دارای اهمیت ویژه‌ای در آفرینش فضا است. پیدایش کالبد در معماری را می‌توان در رابطه مستقیم فرهنگ و اعتقاد مردم دانست که تحت تأثیر اشکال، جهت، رنگ و جنسیتی خاص تعریف کرد که با کمک این چهار عامل موفق به نمود فضا در بعد فیزیکی (عینیت منظر) و کلید ورود به فرهنگی است که این فضا را تولید می‌کنند. در واقع کالبد را می‌توان نمود فیزیکی تفکرات و سنت انسان‌هایی (ذهنیت منظر) دانست که به تولید فضا اقدام نموده‌اند.

در منظر نیز مانند سایر هنرهای کاربردی، هدف باید کاربرد و فعالیت در فضا را هدایت کند. هدف، خوب ساختن است و خوب ساختن سه



شکل ۱. مدل مفهومی منظر. (منبع: ماهان، ۱۳۹۵، ۱۷۹)

فرهنگی به معنای محصولی انسان‌ساز در یک دوره تاریخی تلقی شود. دستاورد آن، تمدن است، لذا محصول تمدن‌های گذشته متعلق به سرزمین و دوره خاص خود است. بدین گونه مظهر شناخت دوره و دارای ارزش خواهد بود؛ اما اگر تمدن معاصر که به دنبال فرهنگ مدرنیسم شکل گرفته، مشمول این تعریف قرار گیرد، مفهوم فرا سرزمینی پیدا می‌کند (متدین، ۱۳۹۳، ۴۳). تایلر آدر سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» تعریفی جامع از فرهنگ را ارائه کرده است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود وام می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد» (روح‌الامینی، ۱۳۸۹، ۱۶).

دهه ۱۹۹۰ شاهد شکوفایی توجه به فرهنگ و فهم آن بود، آنچه «دیوید ژاک» آن را ظهور منظر فرهنگی نامید. (Jacques, 1995, 91) در نتیجه این بیداری، علاوه بر ظهور یک سیستم ارزشی متفاوت در منظر فرهنگی، چالشی در مفهوم میراث در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی شکل گرفت که در آن زمان بر آثار باشکوه تاریخی، سایت‌های باستان‌شناسی و مجموعه‌های معروف معماری یا سایت‌های تاریخی تمرکز داشت و ارتباط آن با شهرت و ثروت را مورد توجه قرار داده بود. این همان چیزی است که «ریچارد انگهارت»^۴ از آن به‌عنوان گسترش فهم از میراث فرهنگی یاد کرده است. سهم دانستن مردم و گسترش توجه به تاریخ مردمی و اینکه منظر بزرگ‌ترین مزیت تاریخی برای کسانی است که می‌دانند چگونه آن را قرائت کنند. ظهور جنبش منظر فرهنگی را نوید می‌داد. انگهارت همچنین این ایده را مطرح کرد که بازتاب روش‌های زندگی روزمره در عناصر یا مکان‌ها، ساخت مکان‌ها بر اساس ایدئولوژی‌ها، سکانس‌ها و جریان زندگی در گذر زمان، اهمیت

شرط دارد: مفید بودن، استحکام و خرسندی. این سه عامل تعریفی برای عملکرد هستند که جایگاه عملکردا بودن در منظر را خاطر نشان می‌سازد (غریب پور، ۱۳۸۶، ۷۴). کلمات معنا و معنویت به لحاظ لغوی هم‌خانواده و دارای یک مفهوم، معرفی شده‌اند. معنویت، ارتباط با عالم روحانی و یا همان عالم بالاست؛ یعنی امور معنوی آن دسته از مسائلی که با آفریدگار هستی در ارتباط‌اند و طبعاً دلالت بر شناخت پروردگار (معرفت)، ایمان و اعتقاد به او (توحید) تبعیت از فرمان‌ها الهی (شریعت)، دارد؛ و از آنجاکه این امر (ساحت) نوعی ادراک و فهم درونی (معنایی) را طلب می‌کند، لذا به‌طور دقیق و مستقیم نمی‌توان آن را به قید تعریف کشانید و از این رو معنا و معنویت، شاید یکی از مبهم‌ترین اصطلاحات زمانه باشد. همسان بودن معنا و معنویت افراد را در تشخیص و فهم معنی اشیاء راهنمایی خواهد کرد؛ چراکه اگر امری دارای ویژگی روحانی و یا معنوی باشد، از دیدگاه منظر دارای معنا است. عنصر معنا مقوله‌ای کلی است که خیلی از ادراکات و مسائل شهودی را نیز دربرمی‌گیرد (صحاف، ۱۳۹۵، ۵۴).

فرهنگ و منظر فرهنگی

لغت فرهنگ از دو کلمه «فر» و «هنگ» تشکیل شده^۲ و به معنای عروج، شکوه و عظمت است. این واژه اصیل ایرانی در حقیقت به معنای تعالی و رشد بوده و فردوسی جهت زنده کردن ادب و زبان فارسی در مقابل فرهنگ اعراب آن را مورد توجه قرار داده است (عجم زنده کردم بدین پارسی). به گفته حشمت‌الله متدین در بخش جستار مجله منظر شماره ۲۸، لغت فرهنگ بیشتر مجموعه‌ای از آداب، رسوم، عبادات و هنر را شامل می‌شود. در مفهوم جدید، فرهنگ به معنی سبک و الگوی زندگی است. تمدن به معنای شهر پذیری، محصول فرهنگ است و این محصولات، تمدن‌ها را می‌سازد. اگر لغت منظر

هنرها و آمیزش فرهنگ با عناصر طبیعی واجد ارزش شده باشد. به گفته سید امیر منصوری در بخش جستار در مجله منظر شماره ۲۸ منظرهای فرهنگی عینیت‌های تاریخی هستند که به نوعی به تعامل پایدار با محیط طبیعی خود دست یافته‌اند. محصول به دست آمده طبیعت ثانویه با منظر فرهنگی است که از تعامل دو جزء طبیعت اولیه و مصنوع انسانی شکل گرفته است.

با توجه به تعاریفی که از فرهنگ و منظر فرهنگی ارائه شد در شکل ۲ نحوه تشکیل هسته اصلی منظر فرهنگی توسط سه عنصر محیط، زمان و انسان دیده می‌شود؛ که رابطه دوسویه هر یک از این عوامل منجر به ایجاد یک عنصر جدید می‌گردد. انسان در طول زمان، خاطره سازی می‌کند و تاریخ را شکل می‌دهد، عاملی که یکی از هسته‌های اصلی تشکیل دهنده فرهنگ در زندگی انسان‌ها و تاریخ بشر بوده است (که فضا را ملزم به ماندگاری در زمان می‌کند). حضور انسان در محیط و تجربه کردن آن، به شکل‌گیری مکان می‌انجامد، مکانی که با حضور انسان معنا پیدا می‌کند و عامل به وجود آورنده بعد خاطره سازی و ایجاد ذهنیت در منظر می‌شود.

طبیعت نیز به عنوان بستر تشکیل دهنده تاریخ، انسان و مکان در گذر زمان در محیط، شکل گرفته است. طبیعت عنصری حائز اهمیت در ادیان و واجد جایگاهی متفاوت در ایدئولوژی‌ها بوده است و تجلی آن نزد فرهنگ‌های مختلف بر اساس آداب و رسوم، آیین‌ها و اعتقادات، به شکل‌های مختلف تبلور یافته و با مفاهیم و رویکردهای فلسفی و عرفانی آمیختگی دارد. طبیعت در طول تاریخ به یک مفهوم نمادین تبدیل شده است و هر فردی تحت تأثیر جامعه و معیارهای فرهنگی خود می‌تواند تعریفی خاص از طبیعت ارائه دهد.

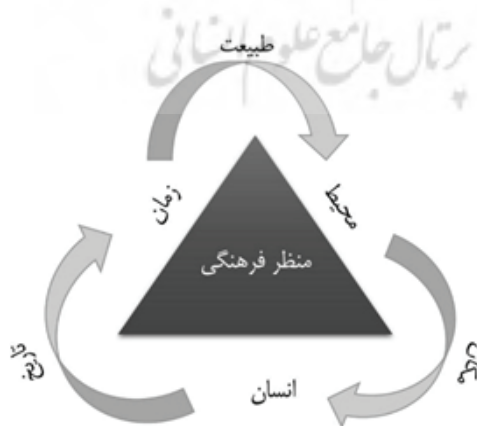
بسیار دارد؛ چراکه بازگوکننده داستان مردمان، وقایع و مکان‌ها در طول تاریخ هستند و پیوستگی آنها و جریان زمان را خاطرنشان کرده و بستر فرهنگی را که زمینه‌ساز میراث فرهنگی است، ارائه می‌کنند (خادمی و مهدوی مقدم، ۱۳۹۲، ۳۲).

اندیشه دیگری که در مبحث منظر فرهنگی در زمینه ارزش‌های نوین تاریخ و میراث، اهمیت دارد، آن است که انسان می‌تواند در شکل‌گیری مکان نقش داشته باشد. می‌توان با ارائه ابزار مناسب و درخور موقعیت، به بازدیدکنندگان مناظر فرهنگی، فرصت داده شود تا مشارکت و تأثیرگذاری داشته باشند. مجموع تمامی ایده‌های مرتبط با منظر که در دهه ۱۹۹۰ طرح شده بود، تفکر و اجرای مدیریت و برنامه‌ریزی میراث فرهنگی را بسط و گسترش داد، به طوری که منجر به شناسایی سه دسته منظر فرهنگی شاخص و واحد ارزش جهانی برای لیست میراث جهانی یونسکو شد که شامل موارد زیر است:

- ۱) منظره‌ای که آگاهانه به وسیله انسان طراحی و خلق شده باشد.
- ۲) منظر اصیل تکامل یافته که ممکن است یک منظره به جامانده از گذشته یا منظره تداوم یافته از گذشته تاکنون باشد. این شکل منظر، از تعامل بین جوامع ابتدایی، معیشت و آداب و آیین‌های آنان با طبیعت به وجود آمده است و شامل دو گونه است:

 - منظر میراثی (فسیلی) که در یک فرایند تکاملی در گذشته شکل گرفته و اکنون ویژگی‌های معنی‌دار و مشخص آن در محیط باقی مانده است. (فرایند تکامل، در گذشته خاتمه یافته است).
 - منظر تداوم یافته (پایدار) که نقش اجتماعی فعال در زندگی امروز دارد و از سنت‌های گذشته باقی مانده است. تکامل آن هنوز ادامه دارد و آثار و شواهد آن قابل شناسایی است.

- ۳) منظر فرهنگی مشترک (مختلط) که ممکن است به خاطر آیین‌ها،



شکل ۲. عوامل سازنده منظر فرهنگی

آیین و منظر آیینی

آیین‌ها نوعی نمایش‌های اجتماعی نمادین هستند که تحت شرایط خاصی در جامعه بروز می‌کنند و به افراد جامعه حکم می‌کنند که به آن نوع خاص عمل نمایند. آیین‌ها در همه جوامع انسانی اعمالی مقدس محسوب می‌شوند که اعضای جامعه در رابطه با انجام آن احساس تعهد و پایبندی می‌نمایند. آیین‌ها شیوه‌های عملی معینی هستند که از اعتقادات سرچشمه می‌گیرند. فاصله میان اعتقادات و آیین‌ها فاصله میان اندیشه و حرکت است. به گفته دورکیم^۵ جامعه‌شناس فرانسوی آیین به عمل تشریفاتی گفته می‌شود که در بردارنده معانی دینی مقدس است (Durkheim, 1956). فیشر و مارکوس آیین‌ها را متونی ساخته‌شده توسط فرهنگ می‌دانند که به نیت معنا بخشی به تجربه‌ها قرائت می‌شوند (گیویان، ۱۳۹۵، ۱۸۴). مری داگلاس^۶ معتقد است که آیین با قاب‌بندی امور، به طریقی خاص جلب‌توجه می‌کند، خاطرات را احیا می‌کند و اکنون را به قرائتی خاص از گذشته پیوند می‌زند (Douglas, 1968). آیین‌ها در هر جامعه «زمان مقدس» را خلق می‌کنند و مکان‌ها را بر هم فضیلت می‌بخشند. آیین‌ها در هر زمانی برگزار نمی‌شوند و لذا به سبب اهمیتی که آحاد جامعه برای آن قائل‌اند، زمان و مکان برگزاری آن‌هم از دیگر اوقات ممتاز می‌شود (گیویان، ۱۳۹۵، ۱۸۳).

آیین‌ها با داشتن سه ویژگی کلان تکرارپذیری در زمان و مکان تشخص، برخورداری از ماهیتی نمادین و استعاری و کنش و فعالیتی اجتماعی، با سه مؤلفه کالبد، معنا و فعالیت در تعامل و ارتباط تنگاتنگ است (جدول ۱). از بعد کالبد، آیین‌های جمعی سبب ایجاد عناصر و فضاهایی خاص گردیده و یا به آنها شکل داده و اجرای آن در سازمان فضایی شهر در گذشته انسجام کالبدی- فضایی شهر را به دنبال داشته است. از بعد معنا آیین‌های جمعی سبب ایجاد فضاهایی خاطره‌انگیز، با معنا و نمادین گردیده و در هویت بخشی به فضاها و حس تعلق به آنها اثرگذار بوده است (علی‌الحسابی و پای کن، ۱۳۹۲، ۷۷). نقش آیین به دلیل وجه معنوی و تاریخی و خاطره‌انگیزی هویتی‌شان و به دلیل نقشی که در احراز هویت و وحدت و شادابی و حیات جامعه ایفا می‌کنند، نقشی یگانه و منحصر به فرد است. نقشی که حتی در بسیاری از موارد، فضایی تهی و عاری از ویژگی‌های شاخص کالبدی (حتی در بیابان) را به آن دلیل که فضای برپایی آنها بوده‌اند (و هستند)، ارزشمند، خاطره آفرین و واجد هویت و ارزش می‌کند (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۹۹). آیین از یک سو وسیله‌ای برای تشویق و تقویت پیوندهای اجتماعی یک گروه و رفع رجوع کردن تنش‌ها و از سوی دیگر راهی است که بسیاری از رویدادهای مهم حتی بحرانی، نظیر مرگ را که از نظر اجتماعی می‌تواند به کلی مخرب و ویرانگر باشد، برای

افراد قابل تحمل‌تر می‌نماید.

بیشتر مکاتب فکری و رشته‌های گوناگون علوم مربوطه، ریشه و علل شکل‌گیری آیین را عموماً در دودسته جای می‌دهند: بنیاد برخی از آیین‌ها صرفاً بر اسطوره‌ها و پنداشت‌های افسانه‌ای و برخی دیگر بر وقایع و رخداد‌های تاریخی است (پاراحمدی، ۱۳۸۷، ۱۲). به‌گونه‌ای که باکوک^۷ معتقد است آیین عملی است همراه با نمایش جسمانی که مرتبط با نمادهاست (Bocock, 1974). گافمن آیین را به‌طور گسترده و وسیع در نظر گرفته و آن را در تمامی منش‌های متقابل اجتماعی روزمره زندگی مشاهده کرد. برای انسان دوره باستان که آیین را برای تنظیم رابطه‌اش تا جمع، طبیعت و ماورای طبیعت به وجود آورده بود، آیین‌ها کارکردهایی نظیر روش تعلیم مؤثرتر، مهار حوادث احتمالی آینده و بزرگداشت چیزی بود و حتی می‌توانست سرگرم‌کننده باشد (رهیین، ۱۳۹۵)؛ اما انسان‌شناسی معاصر تمرکز خود را بر اجتماع نهاده و بر اهمیت آیین در همه جوامع تأکید دارد. مراسم آیینی، زمان اساطیری را در هر لحظه بازمی‌آفریند و وقایع ازلی را نو تجدید می‌نمایند. نمادها و آیین‌های مربوط به مراسم به‌عنوان متغیری تأثیرگذار در کنار دیگر مناسبات معیشتی و عوامل محیطی موجود در بافت‌های قدیمی، نظم و قاعده خاصی بر ساختار شهر سنتی اعمال می‌کنند و تعامل تاریخی بین آنها وجود دارد. در واقع ساختار شهر سنتی همراه نمادهای به یادآورنده این حماسه، اثری عمیق بر ساکنین شهر گذاشته و تقویت حس همبستگی و وحدت را سبب می‌شود.

زمان اساطیری برخلاف زمان منطقی، زمانی مملو از خصایص و کیفیت‌های گوناگون است و در هر لحظه زمانی به سبب رویداد حادثه آیینی خاص یا واقعه دینی، کیفیتی خاص و مرموز می‌پذیرد که آن لحظه به‌خصوص را از لحظه‌های دیگر متمایز می‌کند.

آیین مبتنی بر اسطوره یک‌شکل نمایشی از پندارهای ذهن ابتدایی در جوامع و تفسیر و تعبیر عینی و عملی اندیشه‌های سازنده این پندارهاست در صورتی که آیین‌های مبتنی بر واقعه‌های تاریخی شکل نمایشی رفتارهایی هستند که در بیرون از ذهن و پندار مردم و در حیات تاریخی- اجتماعی جامعه رخ داده است و مردم در آن رویدادها شرکت داشته یا شاهد آن بوده‌اند (بلوکباشی، ۱۳۸۰، ۴۸).

به عبارتی آیین‌ها در خدمت یک هدف‌اند. آنها افراد را در زمان و مکان به هم مرتبط می‌سازند، گروه‌ها را به هم متصل می‌کنند و مناسبت و نظم ایجاد می‌نمایند (Landry, 2006, 176). جشن‌ها و آیین‌ها به‌عنوان رویدادهای تکرارشونده و دوره‌ای، چرخه زندگی و ابدیت جهان را به ما یادآور می‌شوند. مهم‌ترین اصول آیین‌ها عبارت‌اند از: سنت‌گرایی، رسمی‌سازی، عناصر قدیمی و ویژگی‌های دیدنی و

جدول ۱. ویژگی‌های کلان آیین از نگاه پژوهشگران

ویژگی‌ها	نکات موجود در کلام پژوهشگران	پژوهشگران
تکرارپذیری در زمان و مکان مشخص ← کالبد	- احیای خاطرات - زمان + مکان مقدس - ایجاد عناصر و فضاهایی خاص - جشن‌ها و آیین‌ها - وقایع و رخداد‌های تاریخی	مری داگلاس گیویان علی‌الحسابی و پای کن لاندری یاراحمدی
نماد و استعاره ← معنا	- معانی دینی مقدس - معنا بخشی به تجربه‌ها - هویت بخشی به فضاها و حس تعلق - اسطوره‌ها و پنداشت‌های افسانه‌ای - نمایش جسمانی مرتبط با نمادها - تقویت حس همبستگی و وحدت با استفاده از عناصر موجود در فضا - شکل‌نمایی از پندارهای ذهن ابتدایی در جوامع و تفسیر و تعبیر عینی و عملی اندیشه‌های سازنده این پندارها	دورکیم فیشر و مارکوس علی‌الحسابی و پای کن یار احمدی باکوک شیعه بلوکباشی نصر آبادی
کنش و فعالیت اجتماعی ← فعالیت	- احراز هویت و وحدت و شادابی + وسیله‌های برای تشویق و تقویت پیوندهای اجتماعی - تلطیف وقایع بحرانی - روش تعلیم و تربیت مؤثر، مهار حوادث احتمالی آینده و جشن‌ها و مراسم سرگرم‌کننده - منس‌های متقابل اجتماعی روزمره	نقی زاده رهبین گافمن

شکل می‌دادند و شهری را از دیگری متمایز می‌ساختند، به عبارتی اگر چیزی در زندگی بومی مهم بود، آن چیز جشن گرفته می‌شد (Landry, 2006, 177). در مجموع و به‌طور خلاصه کارکرد آیین در جوامع امروزی را می‌توان گردهم آوردن مردم در فواصل زمانی منظم و حفظ خطوط ارتباط و همکاری آنها، فراهم آوردن زمینه تقویت و تأیید دوباره پایبندی

جذاب (Djukic & Stupar, 2001, 20). در واقع، هر جنبه‌ای از زندگی و هر منبعی از آن یا آیینی است و یا می‌تواند آیینی شود در نتیجه می‌تواند به یک دارایی باارزش تبدیل شود. آیین‌ها تقویم را علامت‌گذاری و فصول را شناسایی می‌کنند. جشن‌های بعد از برداشت محصول و سالگرد رویدادهای مهم، بخشی از تاریخ بشر هستند و گذشته در مقیاس محلی، هویت بومی را

نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و مانند قانون دارای چارچوب و تبصره‌هایی که قابلیت تجدیدنظر دارند، نیست. (جدول ۲)

آیین عنصری ذهنی است که باگذشت زمان جنبه خاطره‌انگیزی و اعتقاد به آن کمرنگ نمی‌شود، بلکه نمود بیشتری در زندگی و اجتماع پیدا می‌کند. این ذهنیت در قالب اجرای مراسم، آداب و رسوم، نمادپردازی‌ها و ... به عینیت تبدیل می‌شود و جایگاه خاص و ویژه‌ای را برای انسان‌ها تعریف می‌کند.

منظر آیینی بخشی از منظر فرهنگی است که بازتاب آداب و رسوم، مراسم، مذهب و آیین‌های دینی است. مراسمی مانند مراسم نوروز در ایران، جشن شکوفه‌های گیلان در ژاپن، جشن آبیاری در تایلند، پنیر غلطان در انگلستان و بسیاری دیگر، آیین‌هایی هستند که در دل طبیعت شکل می‌گیرد و ریشه در احترام به عناصر طبیعی دارد. منظر آیینی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از منظر و فرهنگ، توأمان ویژگی‌های هر دو را داراست. مطابق با تعاریف ارائه‌شده در بخش آیین، منظر آیینی در ابتدا در بستری از طبیعت شکل می‌گیرد؛ چراکه طبیعت، بستر و به وجود آورنده عناصر تشکیل‌دهنده آیین است. طبیعت بستری است که در آن انسان و تاریخ شکل می‌گیرد و تعامل این دو با طبیعت منجر به ایجاد فرهنگ و آیین می‌شود. شاید قوی‌ترین نوع پیوند طبیعت و رسوم مردم را بتوان در مراکز آیینی و مقدس جستجو کرد. از گذشته تاکنون زندگی همجوار با طبیعت برای انسان‌ها بسیار مهم بوده است.

جامعه به ارزش‌ها و باور داشت‌های خاص، ارائه حمایت روانی و کاهش اضطراب و کشمکش‌های اجتماعی بین اعضای جامعه، تحکیم نظارت اجتماعی از طریق نهادهای مدنی و سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی، انتقال غیرمستقیم ارزش‌ها و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر، ایجاد تعادل اخلاقی در جامعه، تحکیم هویت اجتماعی و ابزاری برای نشان دادن مقاومت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانست.

آیین زیرمجموعه فرهنگ است و منظری که می‌سازد، در عین آن که فرهنگی است، به‌واسطه اهمیت نمادهای آیینی در آن، منظر آیینی خوانده می‌شود (منصوری، ۱۳۹۲، ۵). منظر آیینی به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی بر خواسته از دل طبیعت و دربردارنده باورها، اعتقادات، سنن، آداب و رسوم و آیین‌هاست که متناسب با موقعیت مکانی خود نمود پیدا می‌کند. گاه این نمود در غالب اسطوره‌سازی و نمادپردازی جلوه‌گر می‌شود و گاه در بطن زندگی روزمره مردم در قالب اصول زیستی نمود پیدا می‌کند. منظر آیینی به‌عنوان یک پدیده منظرین باگذشت زمان در دل تاریخ و مردم نفوذ پیدا کرده است و به‌عنوان یک اصل از پیش تعیین‌شده در ذهن مردم باقی‌مانده است. منظر آیینی در هر کشور و در هر مکانی ویژگی‌های خاص خود را دارد و متناسب با فرهنگ هر منطقه شکل می‌گیرد ولی آنچه به‌عنوان یک اصل تغییرناپذیر در آن شکل گرفته است پذیرفتن آن در قلب و ذهن مردم است. آیین اصلی نانوخته است و ماندگار در ذهن مردم که از

جدول ۲. تفاوت میان آیین و آداب و رسوم و قانون.



از دیدگاه پیرس نماد یعنی پدیده‌ای که به موضوعی دلالت کرده و آن را تداعی می‌کند. به‌طور مثال در گذشته قدرت نمادین آتش آن را تبدیل به ابزاری ایده آل در مذهب کرده است (اسفندی و غلامی، ۱۳۸۶، ۶). در هر اقلیمی متناسب با نوع معیشت و چگونگی وابستگی به طبیعت، برخی عناصر، کارکرد معنایی ویژه‌ای می‌یافتند. به‌طور ویژه در سرزمین‌های حوزه خاورمیانه، جایی که به نظر خاستگاه کهن‌ترین تمدن‌های بشریست شکل‌گیری اجتماعات زیستی و دوام آنها، وابسته به عناصر طبیعی به‌عنوان عوامل مهم در تأمین معاش جامعه بوده است. از سوی دیگر در این سرزمین‌ها حیات مادی همواره با نیروهای آسمانی گره‌خورده و منظر آیینی به‌عنوان بخش معنایی از نظام زیستی، همیشه در کنار این اجتماعات وجود داشته است. در این بین طبیعت رکن اصلی شکل‌گیری منظر آیینی را تشکیل می‌داد؛ که این مهم به دلیل وابستگی ادیان باستانی سرزمین‌های مذکور به طبیعت و مقدس شمردن عناصر طبیعی همچون آب، کوه و گیاه بوده است.

بازتاب هر دینی را می‌توان آشکارا در ساخت‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فضاهای جغرافیایی تحت قلمرو آن دین مشاهده کرد. آیین‌ها از اصلی‌ترین عواملی هستند که در تحلیل تاریخی فضاهای شهری از جهات مختلفی ایفای نقش می‌کنند. نقش اول آنها قدمت و تاریخی بودن خود آیین است که نشانگر قدمت و تاریخ عمر آن ملت و جامعه است. نقش دوم، ویژگی‌هایی است که هر آیین خاص برای مکان برپایی خویش بر انسان‌ها (طراحان و برنامه‌ریزان و سازندگان) القا می‌کند تا فضا را به‌گونه‌ای سامان دهد که مناسب برپایی‌اش باشد. نقش دیگر آیین‌ها، خاطره‌سازی و تثبیت خاطره‌های جمعی جامعه است (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۲۵۲). اریک نودنبولر از صاحب‌نظران به نام در حوزه بررسی معنای آیین و ارتباطات آیینی درباره نقش و کارکرد آیین‌ها در جامعه بر آن است که آیین‌ها زندگی ما را در اجتماع «علامت‌گذاری» می‌کنند (Routhenbuhler, 1998, 85). مکان‌های برپایی آیین‌ها به‌مرور زمان در نظر مردم یادآور خاطرات مذهبی و در نتیجه دارای ارزش معنوی می‌شود. این ارزش تا جایی است که علاوه بر زمان برپایی آیین‌ها، در سایر زمان‌ها نیز مردم را به‌سوی خود جلب می‌کند و به‌عنوان فضاهای خاطره‌انگیز در نقش عامل هویتی شهر و جامعه ظاهر می‌شود. البته هر فضا، با ویژگی‌های خاص خود برای برپایی هر آیینی مناسب نیست، چراکه برای برپایی هر آیین باید تغییرات کالبدی و شکلی خاص و متناسبی را در فضا به وجود آورد (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۳۰۶).

موضوع مناسب‌ها در تاریخ فرهنگی ایران، با پی‌آمدت شهرهای

در گذشته ارتباط صمیمی و خاص با طبیعت و مقدس دانستن آن، به نقطه عطفی در زندگی مردم تبدیل شد و نتیجه آن شکل‌گیری مراکز آیینی و مذهبی بود که در آنها، طبیعت مهم‌ترین عنصر و عامل تشکیل‌دهنده‌ی فضا بود. در ایران باستان اغلب بناهایی که در دل کوه‌ها و در کنار چشمه‌ها و درختان مقدس بنا شده‌اند و نیایشگاه نیاکان ما بوده‌اند و تا امروز نیز زیارتگاه زرتشتیان و مسلمانان است، طبق شواهد و قرائن بسیار پرستشگاه مهر و آناهیتا بوده که در مسیر تاریخ و با ظهور ادیان جدید دچار دگرگونی شده‌اند تا مناسب با عملکرد آیین نو باشند. بسیاری از این اماکن که امروز به نام چهارطاقی یا آتشکده، امامزاده و یا مقابر پیران و بزرگان مشهورند، به گذشته‌های دور و آیین‌های جاری نیایش آب، آتش و آفتاب در زمان خود بازمی‌گردند (جوادی، ۱۳۸۶، ۱۳).

رفتار انسان‌ها فضا را تعریف و آن را به یک مکان و جلوه‌گاهی از خاطره‌ها تبدیل می‌کند. آنچه در اماکن زیارتی، مذهبی و آیینی اتفاق می‌افتد، اتفاقی خودجوش است که مردم آن را به‌صورت ذاتی هدایت نموده و به‌عنوان یک ارزش از آن پاسداری می‌کنند. صرف‌نظر از کالبد اماکن مذهبی و آیینی آنچه اهمیت دارد رفتار و تعامل انسان‌ها حول محور یک کانون مقدس و جذاب است که منجر به ایجاد منظر آیینی می‌گردد. مردم به‌واسطه حضور یک کانون مقدس و یک بهانه ارزشمند صرف‌نظر از جنسیت و سن و طبقه اجتماعی و ... گرد یکدیگر و کانون مقدس جمع می‌شوند و به انجام اعمال معنوی، سیاحت و تفریح و تعامل با یکدیگر می‌پردازند و شاید بتوان گفت چنین کیفیتی را در هیچ کجا نتوان پیدا کرد.

یافته‌های پژوهش

بازشناسی جلوه‌های منظر آیینی

آیین، اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی سزاوار به‌منظور تأثیرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدید طراحی شده است و طیف وسیعی از فعالیت‌های انسانی در جوامع را شامل می‌شود. به گفته لینچ ارزش‌ها، باورها و اعتقادات سهم عمده‌ای در شکل‌دهی به محیط‌های انسانی دارند عامل فرهنگی به‌ویژه اعتقادات مذهبی، اساس ایجاد زیستگاه‌های انسانی بوده و در نظم دهی به سکونتگاه‌ها، مذهب غالباً به شیوه‌های نمادگرایانه عمل کرده است. راپاپورت نماد یا سمبول به شکل واقعی عینی و نشانه‌ای ملموس نمایان می‌گردد و اندیشه‌های انتزاعی و حقایق پنهان را بر ما آشکار می‌سازد. نمادها، در غالب نشانه‌ها و رنگ‌ها در زندگی ما بسیار دیده می‌شود.

(ملی و مذهبی)، همچنین سیاه‌پوشی بناها، حسینیه و اماکن مقدس، در ایام سوگواری و عزا (ملی و دینی)، از نمونه‌های تظاهر بیرونی فرح و حزن، در رفتار اجتماعی مسلمانان است؛ که غالباً به صورت برنامه‌ریزی نشده، خودجوش و مردمی صورت می‌گیرد (محدثی، ۱۳۸۹، ۱۸). مراسم مذهبی - فرهنگی به عنوان زیرمجموعه‌ای از آیین‌ها از عوامل عملکردی فضاهای شهری و از عناصر مؤثر در تعاملات اجتماعی، حیات و ماندگاری این فضاها هستند. از سویی منظر آیینی، مجموعی از عینیت (کالبد فیزیکی) و ذهنیت (نهفته‌های اجتماعی و انتظارات جامعه) است. تغییرات کالبدی حاصل از آیین مذهبی ایام محرم در منظر شهر و البته نقش مردم و عوامل انسانی در این مراسم، توانایی تبدیل کردن این منظر موقت شهری به عنصر ذهنی تأثیرگذار در خاطر شهروندان را دارد (خاک‌زند و تیموری گرده، ۱۳۹۴، ۶۱). آیین‌های سوگواری ملی، به طور سنتی از سال‌های متمادی مکرراً موجب برگزاری مجالس آیینی متعددی در مرثیه سرایی برای شخصیت‌های ملی می‌گشته و در واقع در حکم شرح واقعه جانسوز، به نوعی حرکت به سوی اسطوره‌ای کردن شخصیت‌های مورد نظر بوده است. برخی از این مجالس عبارت‌اند از: مجلس واقعه امام حسین (ع)، مجلس هابیل و قابیل، مجلس به آتش افکندن حضرت ابراهیم و سایر موارد.

آیین در مناسبت‌ها و جشن‌ها و مراسم به دلیل وجه معنوی، تاریخی، خاطره‌انگیزی و هویتی‌اش و به دلیل نقشی که در احراز هویت، شادابی و حیات در جامعه ایفا می‌کند، جایگاهی منحصر به فرد دارد. نقشی که حتی در بسیاری از موارد، فضایی تهی و عاری از ویژگی‌های شاخص کالبدی را به آن دلیل که فضای برپایی این مراسم است ارزشمند، خاطره آفرین و واجد هویت و ارزش می‌کند. چنین منظر آیینی در آغاز، امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل کالبدی در شهر موجودیت می‌یابد و سپس به سبب گذشت زمان و تکرار شدن، به عنصر مشترک پیونددهنده افراد جامعه بدل می‌گردد و در خاطرات جمعی آنان جای می‌گیرد؛ خاطراتی که گروهی از افراد در آن سهیم هستند، آن را به دیگران انتقال می‌دهند و در شکل‌گیری آن نیز دخالت دارند (خاک‌زند و تیموری گرده، ۱۳۹۴، ۶۰). با توجه به مطالب گفته شده جلوه‌های منظر آیینی در سه بخش نماد و استعاره، سنت و آیین (آداب و رسوم و باور و اعتقادات و ...) کالبد و بنا تقسیم می‌شود که با ذکر نمونه موردی در جدول ۳ به تشریح و توصیف هر از این موارد پرداخته شده است.

آن در پیوند با منظر شهری پیش آمده است و آنچه مایه‌ی ماندگاری مناسبت‌ها و مراسم شده است، مظاهر عینی آن است که تبلور ذهنیت‌های مرتبط شده است. پیوند میان این عناصر و آرایه‌ها با مفاهیم مرتبطشان در قالب وحدت معنا و ماده، همواره در فرهنگ سنتی ایران برجای بوده است. کالبد شهرهای هر کشوری با شهری از کشور دیگر تفاوت دارد که این برآمده از فرهنگ، اجتماع و مؤلفه‌های زیرساختی آداب و رسوم آن سرزمین است. «هویت شهر حالتی ذاتی و درون دادی داشته که بر کالبد شهر تأثیر می‌گذارد، لذا سیمای کالبدی، شهرهای وابسته به یک فرهنگ و جهان بینی خاص را از فرهنگ و ساختار و اجتماعی دیگر متمایز می‌کند. در واقع در بستر جریانی دوسویه هویت کالبد شهر شکل می‌گیرد و پس از شکل‌گیری کالبد شهر موجود باعث استمرار تحولات و به تبع تغییراتی پویا در مفاهیم و مؤلفه‌های هویتی یک سرزمین در بستر تعاملاتی دوسویه می‌شود» (حبیبی، ۱۳۸۷، ۱۷).

مراسم و مناسک آیینی گونه‌ای از رفتارهای انسانی است که اغلب با خاستگاه اعتقادی به صورت دسته‌جمعی در توصیف مقدمات و باهدف تقویت اعتقادات و ابراز هویت گروهی و در نهایت انسجام و همبستگی افراد جامعه انجام می‌شود. در ایران باستان مراسم‌های آیینی متعددی از جمله جشن سده، نوروز (حاجی فیروز)، چهارشنبه‌سوری، سووشون و... انجام می‌شده است که همگی دارای خصوصیت تبدیل ذهنیت به عینیت بوده و هر کدام منظر آیینی ویژه‌ای را در زمان و مکانی خاص در سراسر کشور ایران به وجود می‌آورده‌اند. با ظهور اسلام و حادث شدن واقعه کربلا و با توجه به عشق فراوان ایرانیان به اسلام و اهل بیت علیهم السلام، ایرانیان برای عزای سالار شهیدان مراسم‌های متعددی را برگزار نمودند که از مهم‌ترین آنها آیین نمایشی عاشورا به شکل تعزیه و شبیه‌خوانی است؛ که بیشتر از دیگر مراسم‌های محرم به شیوه‌ای بصری قصد در تبدیل ذهن به عین دارد و در خاطره مردم باقی می‌ماند (رضایی قلعه و رضانی، ۱۳۹۳، ۶۸). با مرور منابع اسلامی، می‌توان دریافت که نظر دین، در خصوص مناسبت‌ها، اولویت ذهنیت بر عینیت است. به عبارتی هدف توجه کردن به یک مناسبت، تلاش برای تربیت روح و تزکیه نفس است. حتی تا اینجا نیز پیش رفته که چنانچه، انقلابی درونی و یا موفقیتی در رشد و کسب کمالات در دایره ذهنی، بر انسان عارض شود، می‌توان آن را به عنوان یک مناسبت تلقی کرده و نسبت به بزرگداشت آن اقدام نمود. در همین راستا، اعلام حال درونی، در قالب تشکیل اجتماعات و برگزاری مراسم، از جمله توجهات دین به مسئله فضای جمعی و به تبع آن هویت جمعی است. چراغانی‌های گذرها و معابر و تزئین کردن عناصر شاخص شهری در اعیاد و جشن‌ها

جدول ۳. جلوه‌های منظر آیینی در ایران از آغاز تاکنون

جلوه‌های منظر آیینی در ایران از آغاز تاکنون

نمونه موردی	علائم و نشانه‌ها	جلوه‌ها
منظر عاشورایی (ترکیب رنگ‌های سبز و قرمز و سیاه)		رنگ
منظر چهارشنبه‌سوری	آب+ آتش+ باد+ خاک = عناصر چهارگانه مقدس	
درخت سرو و توت، منظر کوه دماوند و ...	عناصر طبیعی نظیر گیاهان+ کوه+ سنگ+ خورشید و ...	
امام حسین، سیاووش، ققنوس، سیمرغ و ...	اسطوره‌سازی و ساختن موجودات خیالی	نماد و اسطوره‌سازی
علم، نخل، شمع و ...		اشیاء
چهارباغ		اعداد
آتشکده آذرگشسب	آتشکده‌ها و چهارطاقی‌ها	معابد (پیش از اسلام)
معبد آناهیتا کنگاور	معابد آناهیتا	
مزبح گاه در چغازنبیل	قربانگاه‌ها	
استودان‌های سنگی کازرون	استودان‌ها (پیش از اسلام)	مقابر
گور دخمه دکان داود (نزدیک سرپل ذهاب)	گور دخمه‌ها و مقابر صخره‌ای (پیش از اسلام)	
حافظیه و سعدیه	باغ مزارها	
حقیوق نبی، شوش دانیال	آرامگاه و بقعه‌ها	
بهشت‌زهره	گورستان‌ها و مزارها	
امامزاده محسن شهر همدان	امامزاده‌ها	کالبد و بنا
حسینیه ارشاد در تهران	حسینیه	
مسجد آقابزرگ کاشان	مساجد	
تکیه تجریش	تکایا	
مرکز محله نارمک	ارسن‌های باز شهری نظیر مرکز محله‌ها	
کلیسای وانگ در اصفهان	کلیسا	
کنیسه سوکت شالم معروف به کنیسه یوسف‌آباد	کنیسه	
منظر نوروز، منظر سیزده‌بدر	اعیاد باستانی و ملی	سنت (اعتقادات و آداب‌ورسوم)
نیمه شعبان، بعثت پیامبر	اعیاد مذهبی	
منظر عاشورا، منظر شب‌های قدر	مراسم عزاداری	
جشن سده، جشن مهرگان، جشن اسپندگان	مراسم شادی و جشن	
نذوراتی نظیر انداختن پول در مکان‌های مقدس، طبخ غذا و پخش آن بین فقرا و ...	نذورات	
عید قربان	قربانی کردن	
سنت ازدواج	اعتقادات و باورها و آداب‌ورسوم	

۱- نتیجه گیری

میزان اهمیت آنها در ابعاد معنایی، کالبدی و فعالیتی که به هر دو وجه عینی و ذهنی انسان حداکثر میزان پاسخگویی را دارد، کمتر فضایی را می توان یافت که با این کیفیت به مواجهه با نیازهای انسانی بپردازد. سنن و آداب و رسوم و نحوه تعامل آنها با محیط پیرامون از دیگر مظاهر جلوه گری مناظر آیینی هستند که به صورت خودجوش در میان مردم در حال استمرار و تکرار می باشند و از نسلی به نسل دیگر سینه به سینه نقل گشته و ادامه حیات داده است. نکته جالب اینجاست که آداب و رسوم و باورها صرفاً جنبه مذهبی یا ملی نداشته و گاه با نگاه های بومی و محلی مردمان آن سرزمین در مقیاس های متنوع و در حوزه منظر آیینی شکل گرفته است. با این تفاسیر منظر آیینی پاسخگو به مجموعه گسترده ای از نیازهای روحی و معنوی مردمانی است که در چهارچوب منظر و فرهنگ خود جای گرفته اند و در آن، نسل ها زندگی و فعالیت نموده اند و با حضور مستمر، به خاطره پردازی و ساختن تصاویر ذهنی از آن همت گمارده اند.

۱-۱ پی نوشت ها

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: پایان نامه دکتری امین ماهان تحت عنوان مدل ارزیابی منظر با رویکرد پایداری تهیه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

۲. در لغت نامه دهخدا فرهنگ از: فر، پیشوند + هنگ از ریشه ٚنگ اوستایی به معنی کشیدن و فرختن تشکیل شده است که هر دو مطابق است با ادوکات و ادوره در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است. به معنی فرهنگ است که علم و دانش و ادب باشد.

ای زدوده سایه ات ز آیینه فرهنگ زنگ

بر خرد سرهنگ و فخر عالم از فرهنگ و هنگ. (کسایی)

یکی پور دارم رسیده بجای

به فرهنگ جوید همی رهنمای. (فردوسی)

3. Terri Taylor
4. Richard Angelheart
5. Durkheim
6. Douglas, 1968
7. Bocock

۱-۲ فهرست مراجع

۱. اسفندی، اسفندیار؛ و غلامی، فاطمه. (۱۳۸۶). تشریح دوگانگی نماد آتش در آیین زرتشتی. پژوهش های زبان خارجی. (۳۸)، ۱۷-۵.

منظر آیینی به عنوان زیرمجموعه ای از منظر و به عنوان بخش مهمی از منظر فرهنگی، منطری است که عکس العمل جامعه نسبت به نیازهای معنوی اش محسوب می شود. انسان از دوران باستان تاکنون در پیوندی مستقیم با طبیعت بوده، از این رو منظر زیستی و منظر آیینی، متأثر از منظر طبیعی و عناصر سازنده آن بوده است. این امر به ویژه در مورد منظر آیینی هنگامی اهمیت پیدا می کند که می دانیم عناصر طبیعی منظر همواره علاوه بر عینیت و عملکرد خود، دارای مفاهیم ذهنی، رمزگونه و معنوی نیز بوده اند و به صورت نماد و استعاره از آنها استفاده شده است. از این رو نمادپردازی جلوه ای از منظر آیینی است که از دیرباز تاکنون نقش مهمی در ذهن و اندیشه مردمان داشته است، به طوری که حتی در برگزاری مراسم و جشن ها با الگوهای نمادین، به عنوان ابزاری برای نشان دادن اهداف مردم استفاده شده است. رنگ های مختلف نمایانگر و نمادی است از یک اتفاق خاص و گاه اشیا یادآور و نشانه ای هستند از یک منظر آیینی. منظر عاشورایی هر ساله با نشانه های خود ما را با مفاهیم خود آشنا می کند و یادآوری است از یک مکان و زمان مقدس. مفاهیمی همچون چهارباغ، عناصر چهارگانه و عناصر قدسی از دیگر مظاهر معنایی منظر آیینی است. علاوه بر نماد، وجود کالبد و بناهای مربوط به آیین از دیگر جلوه های منظر آیینی محسوب می شود. اعتقاد داشتن مردم به یک موضوع آیینی خاص، وقوع آن در یک زمان و مکان مقدس به عنوان نقطه کانونی و جمع شدن مردم از هر قشر و طایفه ای بدون در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه فرد در یک ساختار منظرین، نشانگر حس تعلق به منظر آیینی و هویت مند بودن آن مکان در ذهن مردم دارد که توسط ساختار کالبدی جلوه و بروز عینی یافته است. ساختارهای کالبدی موجود در مناظر آیینی، فضاهایی ناب هستند که با حضور مستمر و مکرر مردم و تکرار خاطره سازی در آنها، به یک مکان هویت مند تبدیل شده اند. معابد، اماکن مذهبی، مقابر و فضاهایی این چنینی از جمله این ساختارهای کالبدی به شمار می روند. این مناظر و اماکن هویت مند با ساختارهای ذهنی قوی، علاوه بر آنکه بعد ذهنی و خاطره سازی را در مردم تقویت می کنند به لحاظ عملکردی و فعالیتی نیز پاسخگوی نیازهای افراد هستند و اتفاقاً همین امر است که بر تقویت شکل گیری تصویر ذهنی و بعد معنایی مناظر آیینی کمک نموده است. فعالیت های جاری در مراسم نوروز، عید قربان، نیمه شعبان و همچنین نذر نیاز، عبادت در فضاهای آیینی از جمله اموری هستند که در این مجموعه مناظر جاری است و آن را تقویت می کند.

از این روست که با توجه به ویژگی های ذکر شده از مناظر آیینی و

۲. بلوکباشی، علی. (۱۳۸۰). *نخل گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب، درخت و کوه)، *باغ نظر*، ۴ (۸)، ۱۲-۲۲.
۴. حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۷). فضای شهری، حیات واقعه ای و خاطره جمعی. *مجله صفا*؛ ۹ (۲۸)، ۱۶-۲۱.
۵. خادمی، شهرزاد؛ و مهدوی مقدم، مزده. (۱۳۹۳). مفهوم منظر فرهنگی (اصطلاحی ناکارآمد در فرهنگ شرق). *مجله منظر*، (۲۸)، ۳۵-۳۰.
۶. خاک زند، مهدی؛ و تیموری گرده، سعیده. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر آیین های عاشورایی بر منظر شهری و خاطرات جمعی از دیدگاه شهروندان. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۹)، ۶۳-۵۵.
۷. رضایی قلعه، مریم؛ و رضانی، مریم. (۱۳۹۳). تاثیر آیین محرم بر کالبد شهر سنتیدر دوره معاصر، مطالعه موردی شهر آران و بیدگل، *فصلنامه تخصصی پژوهش های منظر شهر*، (۲)، ۹۰-۶۳.
۸. روح الامینی، محمود. (۱۳۸۹). *زمینه فرهنگ شناسی*. تهران: نشر عطار.
۹. رهبین، آرمین. (۱۳۹۵). *ریشه های نمایش در آیین های ایران باستان*. تهران: انتشارات اهورا.
۱۰. صحاف، محمد خسرو. (۱۳۹۵). *معنا در معماری ایرانی*. هویت شهر. (۲۵)، ۶۰-۵۱.
۱۱. علی الحسینی، مهران؛ و پای کن، عصمت. (۱۳۹۲). *تدوین چارچوب مفهومی تعامل شهر و آیین های جمعی و بررسی مصداق های آن در آیین های عاشورایی*. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱۲)، ۳۶-۲۷.
۱۲. غریب پور، افرا. (۱۳۸۶). *عملکردگرایی و معنای عملکرد*. نشریه هنرهای زیبا، (۳۰)، ۸۲-۷۳.
۱۳. گیویان، عبدالله. (۱۳۹۵). آیین، آیینی سازی و فرهنگ عامه پسند دینی: تاملی در برخی بازنمایی های بصری دینی و شیوه های جدید مداحی. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۵)، ۲۱۱-۱۷۹.
۱۴. ماهان، امین. منصور، سید امیر (ب). (۱۳۹۶). *تدوین مدل ارزیابی منظر (با مروری بر روشها و رویکردهای جاری ارزیابی منظر)*. *باغ نظر*، (۵۶)، ۴۲-۳۳.
۱۵. ماهان، امین. (۱۳۹۵). *مدل ارزیابی منظر با رویکرد پایداری*، پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران.
۱۶. متدین، حشمت الله، منظر میراثی به جای منظر فرهنگی، *مجله منظر*، ۲۸، ۴۴-۳۶.
۱۷. محدثی، جلال. (۱۳۸۹). *شکل گیری منظر شهری آیینی در مناسبت های اجتماعی*. *مجله منظر*، (۱۰)، ۲۱-۱۸.
۱۸. منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). *منظر آیینی*. *مجله منظر*، (۲۴)، ۶-۵.
۱۹. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۹). *تحلیل و طراحی فضای شهری*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۰. یاراحمدی، جهانشیر. (۱۳۸۷). *نمایش سنتی و شاخصه های منحصر به فرد آن در بوشهر*. *فصلنامه تناثر*، (۴۲)، ۱۸-۸.
21. Bocock, R. (1973). *Ritual in industrial society: a sociological analysis of rituals in modern England*. Unpublished Doctoral dissertation, Brunel University.
22. Đukić, A., & Stupar, A. (2001). Brief insight into historical urban transformations: Design of public spaces vs. myth, ritual and ideology. *Spatium*, (7), 19-23.
23. Douglas, M. (1968). *The Component of Ritual*. London: New Blackfriars.
24. Durkheim, E. (1956). *Education and sociology*. Glencoll: Free Press.
25. Jacques, D. (1995). The Rise of Cultural Landscapes. *International Journal of Heritage Studies*, 1(2), 91-101.
26. Landry, C. (2012). *The Art of City-Making*. London: Routledge.
27. Routhenbuhler. (1998). *Ritual communication*. London: Sage publications.

Investigation Of The Ritualistic Concept: Crystallizing Its Effects

Reihaneh Khorramrouei*, Master of landscape Architecture, Faculty of Architecture , College of Fine Arts, Tehran University, Iran.

Amin Mahan, Ph.D. Assistant Professor, Department of Architecture engineering, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran .

Ahmad Ali farzin, Ph.D. Associate professor , Faculty of Architecture , College of Fine Arts, University of Tehran .

Abstract

The landscape is an objective-minded phenomenon shaped by human understanding of the environment and takes on different forms in the context of history and time. In the meantime, the paradigm has been created with concepts of identity, such as culture and religion, and created specific objective and mental effects with respect to particular spatial situations. The core of the cultural landscape is seen by three elements: environment, time, and man. The two-way relationship between each of these factors leads to the creation of a new element. Human beings reminisce about time and shape history, which is one of the main cornerstones of culture in human life and human history (requiring space to remain in time). The presence of human beings in the environment and its experience lead to the formation of space, where human presence is meaningful, and the agent that creates the dimension of memory and creation of the mind in the landscape.

Rites are a symbolic social show that appears under certain conditions in the community, and it is up to the people of the community to act in that particular way. Rites in all human societies are sacred acts and the members of a community feel committed to them. The ritualistic aspect is part of a cultural perspective that reflects on the customs, ceremonies, religions and religious rituals. Ceremonies such as the Nowruz ceremony in Iran, the celebration of cherry blossoms in Japan, the celebration of watering in Thailand, cheesecloth in the UK, and many others are nature-shaped ceremonies, rooted in respect for natural elements. The ritualistic view as a subset of the perspective and as an important part of the cultural landscape is considered to be the reaction of society to its spiritual needs.

The ritualistic view as a subset of the landscape and culture has the same characteristics of both. According to the definitions given in the ritual section, the ritualistic aspect is initially formed in the context of nature, because nature, the bed and the creator of the elements constitute the ritual. Nature is the context in which man and history are formed, and their interaction with nature leads to the creation of culture and religion.

Perhaps the strongest link in the nature and customs of the people can be found in ritual and sacred centers. From the past, living near human nature has been very important to human beings. Therefore, this paper tries to identify the effects of its appearance in Iran by examining the concepts of the landscape and the ritual and the recognition of the ritualistic concept. The qualitative design was used in this paper combining an analytical-descriptive with citation research method. Therefore, using a library method along with using authoritative sources, and a wide range of sources related to the landscape and religion was studied. By comparative study, inferential and inference method was used to analyze the cases presented in the ritualistic viewpoint and its aspects have been addressed.

Keywords: Landscape, Cultural Landscape, Ritual Landscape, Nature, Subjective, Objective

* Corresponding Author: Email: r.khoramrouei@alumni.ut.ac.ir